

دکتر جواد سلماسی زاده

بیاد شادروان پرفسور - ج آرتور آربری



درباز دهمین روز مه‌ماه سال جاری مطابق با دوم اکتبر ۱۹۶۹ میلادی یکی از برجسته ترین ایران شناسان و اسلام شناسان جهان ، یعنی پرفسور آربری دیده از این دنیا فرو بسته ، و بعالم باقی شتافت .

وی عمری را در تعلیم و ترجمه و طبع و نشر ، آثار پارسی و کتب اسلامی گذرانده بود . شوق وافر و علاقه کامل به کتب منظوم و منثور فارسی داشت .

بزرگ مردی فعال و پرکار و دقیق بود ، دقیقه ای از تعقیب مطالعه غفلت نمی ورزید ، بلکه میتوان گفت عاشق کتاب و شیفته تحقیق و تتبع بود .

این دانشمند بزرگوار و محقق بیهمتای شخصیت خستگی ناپذیر ، در نتیجه همان کوششهای مداوم ، در سنوات اخیر بیمار و ناتوان گردید .

وجود وی مانند مشعل درخشانی بود ، که آثار نویسندگان و سرایندگان ما را از خلال تاریکیها و از میان ظلمت‌ها و از بوتۀ نسیان‌ها بدر آورد و میراث ایران را بدنیای غرب معرفی نموده و ادبیات ایران را چنین وصف کرده است :

« چون جهان ادبیات ایران چنان وسیع است ، که دامنه آن به قدیم ترین ازمئه نامعلوم تاریخ هم کشیده می شود و بحث در آن مورد بدر ازا می کشد فعلاً بطریق اجمال و ایجاز با ادبیات دوره اسلامی اشاره می شود » :

۱ - « بدون اینکه اغراقی بگوئیم ، اگر از آنچه علوم عربی میگویند ، مانند تفسیر ، حدیث ، الهیات ، فلسفه ، طب ، علم‌اللفه ، تاریخ ، رجال و حتی

صرف و نحو کاری را که ایرانیان در این رشته‌ها انجام داده‌اند کنار بگذاریم ، قسمت عمده و مفید این علوم از میان رفته است .

این حقایق اغراق نیست و جمله عالم بدان معترفند و حتی خود اعراب ، جز در مواردی که غرور علمی بحق ولی خسته کننده ایرانیان بآنها نیش می‌زنند غالباً خود را نسبت بایرانیان مدیون میدانند .

بعد فهرستی از اسامی علماء و فلاسفه و ادباء ایران را ذکر می‌کنند و می‌گویند :

«اینان اشخاص برجسته بوده‌اند که هر يك در رشته تخصصی خویش استاد بوده و کارشان در اساس ساختمان و شکل ادبیات عرب نفوذ قطعی داشت .»
 اما نمونه‌ای از بی غرضی و صداقت و تعلق خالص روی بدانش و فضل را از مطالعات اسلامی وی پیدا می‌کنیم . چنانچه در مقدمه ترجمه قرآن مقدس ، (۱) خطاهای گذشتگان و اعمال غرض آنان و موارد انحراف مترجمان (۲) قبلی را با کمال صراحت و بدون پرده پوشی بیان کرده و منذکر این نکته است که رسائی و شنوائی و سجع و وزن و آهنگ موسیقی ، قرآن عربی چنان طبیعی و مانند آب روان (۳) است . که حدی بر آن تصور نیست . بدرجه محرك و مهیج است که ترجمه آن ولو بنحو احسن انجام گرفته باشد . باز محدود و نارسا و ضعیف و تیره و تاریک است . در صورتیکه اصل متن تابان و درخشان و جذاب و منور است .

فی المثل در ترجمه قرآن چنان دقتی بخرج داده است ، که برای فهم روح آن بمصر سفر کرده در محیط عربی زیسته است .

بعد از تهیه ترجمه و قبل از طبع و انتشار ، کتاب را جهت تجدید نظر به دکتر محمد الحجازی ، محقق و فاضل و متبحر در ادبیات عرب و یک فرد

۱- کتاب میراث ایران *Leyacy of Persia* از ص ۳۲۰ به بعد .

۲- برای مزید اطلاع به ص ۲۲ و ۲۳ تاریخ سیر ترجمه قرآن

مراجعه فرمایند .

مسلمان واقعی و پارسامندی تسلیم کرده است. باز باینکار اکتفا نکرد، از شیخ الازهر برای حل مشکلات استفاده شایان نموده است.

اینکار نمونه‌ایست از دقت نظر و نشانه از زحمات طاقت فرسا و خدماتی که آن دانشمند بزرگوار در راه ترجمه کتب متحمل گردیده است. اگر در مورد سایر آثار بخواهیم بحث کنیم، مطلب بدرازانی کشد و بقول معروف مثنوی هفتاد من کاغذ می شود.

بنابراین به بیان شرح احوال وی از يك فقره اتوبیوگرافی که در دست داشتیم می‌پردازیم:

آرتور آربری در دوازدهمین روزماه می سال ۱۹۰۵ در خانه بسیار کوچک کوی کارگران Fratton در پرت سموث متولد گردید بین پنج فرزند ابویں خویش بجه چهارم بود. پدرش از پانزده سالگی خدمت خود را در نیروی دریائی پادشاهی شروع نمود. مدتی ازسالیان خدمت دراز وی درچین سپری شد.

در جنگ حت لند در تحت فرمان جلیکو شرکت کرد. آخر الامر با سمت رسمی درجه داری نیروی دریائی بازنشسته شد.

مادرش چون بزرگتر از سه خواهر خود بود. از دوازده سالگی برای کمک بیودجه خانواده بکار و کوشش پرداخت.

ابویں آربری اشتیاق زیادی بقراءت کتابهای سودمند ادبی داشتند و کوشش کرده اند که بچه‌های خود را دیندار و دوستدار کتابهای پرارزش ادبی بار آورند.

آغاز تحصیلات وی ازسه سالگی شروع گردید. آن موقعی بود که بمدرسه دولتی (reginale road) رهسپار گردید. زیرا که در آن زمان بخانه دیگری دروست فیلد رود انتقال یافته بودند و در آن منزل میزیستند تا اینکه در نتیجه بمباران همپلر ویران گردید.

تحصیلات: چهارساله بود که در پاسخ پرسش همسایه مهربان خویش گفته بود، بدان نگاه خواهد رفت در حالیکه تا آن زمان کسی از قوم و خویشان ایشان

دربازده سالگی تلاش کرد تا یکی از ده بورس تحصیلی گرامر اسکول پرت سموث را بدست بیاورد ولی توفیق نیافت. سال بعد در نتیجه کوشش بیشتر موفق شد.

چون به شانزده رسید خویشتن را برای ورود بدوره ف کمبریج آماده نمود و قبل از اینکه در سال ۱۹۲۴ به بمبرك كالج Michaelmas برود تمام مواد مربوط بلاتین و یونانی را خواند و اشکالهای خود را بر طرف کرد.

صبح روزی که برای دریافت درجه B.A بحضور پرفسور Minns رفت مسیر زندگی اش عوض گردید و بر حسب اشاره پرفسور مزبور پیرومکتب ادوارد براون شد و به محضر استاد نیکلسن راه یافت.

نخستین معلم علوم اسلامی آربری شخصی موسوم بدکتر عقیقی بود. بعدها از درس پروفسور نیکلسن و پروفسور لوی استفاده کرده است.

مشاغل :

آربری در سال ۱۹۲۷ امتحان Tripos را در کمبریج با گرفتن امتیاز در مورد زبانهای شرقی گذراند.

در سال ۱۹۲۹ توفیق امتحان سال دوم زبانهای شرقی را بدست آورد.

در سال ۱۹۳۰ عضو بمبرك كالج شد.

در سال ۱۹۳۱ رئیس گروه علوم قدیمی دانشگاه قاهره گردید.

در سال ۱۹۳۲ معاون کتابخانه سازمان هندوستان شد.

در سال ۱۹۳۴ با اداره سانسور جزو سازمان جنگ بوروارد گردید بعد به وزارت اطلاعات انتقال یافت.

در سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ ریاست کرسی فارسی دانشگاه لندن را بدست آورد.

در سال ۱۹۴۴ تصدی کرسی عربی همان دانشگاه را احراز کرد.

در سال ۱۹۴۶ عضو وابسته آکادمی ایران و مصر و آکادمی عربی دمشق

و نائب رئیس کمیته ترجمه یونسکو گردید.

در سال ۱۹۴۷ ریاست کرسی عربی دانشگاه کمبریج موقتاً گردید

و در این مقام بود که بیمار و ناتوان شد. و بدون اینکه بمرحله بازنشستگی

آثار استاد :

- در سال ۱۹۳۳ به طبع کتاب لیلی و مجنون توفیق یافت .
- در سال ۱۹۳۵ نظرات سوفیان را نگاشت .
- در سال ۱۹۳۵ فهرست کتب خطی عربی کتابخانه هند را تنظیم کرد .
- در سال ۱۹۳۸ کتاب عشاق عراقی را طبع و نشر کرد .

کتاب :

- در سال ۱۹۴۰ روش مسلمان در جنگ کتاب همکاری بریتانیا برای مطالعات ایرانی را برشته تحریر درآورد .
- در سال ۱۹۴۲ کتاب مستشرقین انگلیسی را تألیف کرد .
- در سال ۱۹۴۳ اسلام امروز را نگاشت .
- در سال ۱۹۴۵ مقدمه تاریخ تصوف را برشته تحریر درآورد .
- سال ۱۹۴۵ شاهان و گدایان را طبع و نشر کرد .
- سال ۱۹۴۶ پانزده غزل از حافظ ترجمه کرد .
- سال ۱۹۴۷ قطعاتی از کتاب اللمع ترجمه کرد .
- سال ۱۹۴۸ گلستان جاوید - رباعیات عمر خیام را تجدید طبع کرد .
- سال ۱۹۴۹ سرودهای ایرانی را ترجمه کرد .
- سال ۱۹۵۰ اشعار نوین عربی .
- سال ۱۹۵۱ الهیات ابن سینا .
- سال ۱۹۵۲ ترجمه جدید رباعیات عمر خیام .
- فهرست مختصر کتب خطی اسلامی دانشگاه کمبریج .
- ۱۹۵۳ قرآن مقدس - میراث ایران .
- ۱۹۵۴ اشعار ایرانی .
- ۱۹۵۵ ترجمه قرآن - مسلمانان و اقبال .
- ۱۹۵۶ حق و انقلاب در اسلام .
- ۱۹۵۷ هفت سرود .
- ۱۹۵۸ ادبیات ایران .
- ۱۹۶۰ مستشرقین .
- ۱۹۶۱ داستانهای مثنوی را ترجمه کرد .

وی در سال ۱۹۳۲ با دختری بنام سادنیاسیمون ازدواج کرد و حاصل